

ایران



نقل قول

باید پای خواسته‌مان بایستیم

من همیشه معتقد بودم آدم باید تکلیفش با خودش و حرفه‌اش مشخص باشد برای همین از ابتدا بازیگری را به عنوان حرفه در حوزه هنر انتخاب کردم اما حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم طرح‌های زیادی داشتم که می‌توانستم به آنها جامه عمل ببوشانم ولی متأسفانه خیلی راحت از کنار آنها گذشتم؛ مثلاً در دنیا بازیگران زیادی وجود دارند که بعدها کارگردان شدند و کارگردان‌های موفق‌ی هم شدند؛ مثل وودی آلن. فکری می‌کنم که کارگردانی به بازیگر کمک می‌کند نگاه عمیق‌تری به جامعه و اطرافش داشته باشد و او را به انسان دوراندیش‌تر و عمیق‌تری تبدیل می‌کند. من معتقدم هرکسی باید قدر خودش را بداند و به دنبال علائقش برود و پای عشق و خواسته‌اش بایستد. شاید ورود به عرصه بازیگری آسان باشد اما ماندگارشدن کار سختی است چون تحمل و صبری می‌خواهد.

گزیده‌ای از صحبت‌های امین تارخ به بهانه سالروز درگذشت این هنرمند در دوم مهر۱۴۰۰

عکس: علی محمدی / ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
- سردبیر:** هادی خسروشاهین

- مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران**
- رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل:** علی متقیان
- نظفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومي:** • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳



«پیروز ارجمند»: بازگشت به دبیری موسیقی نواحی

پیروز ارجمند، آهنگساز و مدیرکل اسبق دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حکم مهدی شفیعی معاون هنری وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دبیر هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی کشور منصوب شد. ارجمند که ازپژوهشگران باسابقه ایران است، پیش‌ترنیزتجربه مدیریت دفترموسیقی حوزه هنری و دبیری چندین دوره از جشنواره‌های فجر و نواحی را در کارنامه داشته است. این دوره از جشنواره با مدیریت این چهره نام‌آشنا، از ۲۴ تا ۲۹ آبان‌ماه امسال به میزبانی کرمان برگزار خواهد شد. **ا‌یرنا**



عکس: علی محمدی / ایران

در اولین آیین روز پرچم جمهوری اسلامی ایران در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

پرچم؛ مدار وحدت ملی در برابر تهدیدها



عکس: علی محمدی / ایران

گزارش

سعیده احسانی‌راد گروه فرهنگی

فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تقویت حس تعلق نسل جوان به نمادهای ملی و افزایش مشارکت‌شان در پاسداشت پرچم ایران چه برنامه مشخصی دارد گفت: «مسأله پرچم برای همه ملت‌ها و دولت‌ها جایگاه خاص خودش را دارد اما با توجه به اینکه کشور ما در معرض تهاجمات و خطرهاست، این پرچم به عنوان نمادهمبستگی، غرور ملی و نشان‌دهنده تاریخ تمدنی ماست، طبیعتاً دستگاه‌های مختلف در ارتباط با پرچم نقش‌هایی دارند.»

او در ادامه افزود: «در آیین نام‌های که در دولت اخیراً درباره پرچم به تصویب رسید، نقش دستگاه‌های مختلف دیده شده است، از جمله وزارت فرهنگ که در حوزه‌های مختلف، تبلیغاتی، رسانه‌ای و همچنین کلیپ‌های کوتاه، فضای فیلم‌های سینمایی که به نحوی بتواند تعلق به پرچم را نشان دهد، جزودرخواست‌های کاری قرار دادیم. این موضوع طبیعتاًنباید حالت کلیشه‌ای پیدا کند، چون اگر کار فرهنگی و رسانه‌ای به صورت پروپاگاندا (تبلیغات جهت‌دار) باشد تأثیرش معکوس است، باید به شکل نرم و لطیف پرچم را به عنوان بخشی از شناسنامه ملی ما در فضای اجتماعی تثبیت کند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به ضرورت

توجه بیشتر به این نماد تصریح کرد: «متأسفانه در چند دهه اخیر توجه‌مان به پرچم به اندازه کافی نبوده است، اما در یک سال اخیر توجه مضاعف شد؛ به نظر آمد که چطور در کنار پرچم به عنوان نقطه اتکا قرار بگیریم، ممکن است اختلاف عقیده و سلیقه داشته باشیم یا در پاره‌ای از رویکردها و دیدگاه‌ها تفاوت نظر وجود داشته باشد اما بحث مردمی، حضور مردم در تجمعات هم در جنگ ۱۲ روزه و هم جنگ رمضان نشان داد که چطور پرچم می‌تواند یک نقطه ارتباطی و مدار وحدت اجتماعی باشد.»

برنامه‌های رسانه‌ای و تربیت نسل جوان

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار «ایران» که در شرایطی که بخش قابل توجهی از ارتباط نسل جوان با نمادهای ملی در فضای مجازی شکل می‌گیرد، وزارت فرهنگ چه برنامه‌ای برای معرفی و تقویت جایگاه پرچم ایران در فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور دارد، گفت: «خوشبختانه در این هفت-هشت ماه گذشته، فضای میان جوانان و نوجوانان زمینه و بستر مناسبی در شبکه‌های اجتماعی با پرچم پیدا کرده است و کار رسانه‌ها خیلی ساده‌تر شده‌است. سال‌های قبل باید

مقدماتی فراهم می‌شد، اما حالا بسیاری از کارها با ارجاعات و پس زمینه‌هایی که مرتبط با پرچم است در حال اتفاق است.»

او تصریح کرد: «لذا به نظر می‌آید رسانه‌ها باید با روش‌هایی که شناخت دارند، بدون اینکه گل‌درشت کار کنند، به صورت نرم و ظریف اما دقیق و هدفدار کاری کنند که این‌حس در کودک ما از همان سنننن کودکی پدید آید که دو چیز را کنار خودش داشته باشد: یکی اینکه شناسنامه‌اش را گم نکند و دیگری هم پرچم کشورش را نگه دارد.»

تقویت پرچم در آثار مکتوب و کتاب

صالحی درباره سیاستگذاری‌ها در افزایش اهمیت پرچم در آثار مکتوب و کتاب‌ها توضیح داد: «تلاش ما این است: مسیری که در حوزه پرچم دنبال می‌کنیم از نوع گزارش‌های خیلی معمول نباشد. امسال به عنوان نقطه‌های شروع نیاز به تکانه‌های اولیه دارد که در تقویم رسمی آمده است. دوستان در حوزه کتاب، رسانه و فیلم نیز باید پرچم را به صورت ضمیر ناخوداگاه در بیاورند و اینکه فرد حس کند در اتاق، خانه و در اسباب بازی کودکان نشانه‌هایی از پرچم باید باشد. باید با استفاده از ظرفیت‌هایی که در فرهنگ از جمله کتاب، رسانه، فیلم، تئاتر و موسیقی در اختیار داریم تلاش کنیم در یک



یکم همراه به عنوان

«روز پرچم» نامگذاری شد.

در همین راستا در روز پرچم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی میزبان اولین آیین پرچم، برفراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران بود

نقش پرچم در حوزه مد و لباس

صالحی در پاسخ به این سؤال که برای ورود پرزنگ‌تر این هویت ملی در کارگروه مد و لباس چه پیشنهاد و راهکاری دارید، گفت: «طبعاً جایی که بسیار مهم است، به حوزه‌های پوشش، مد و لباس مربوط می‌شود که خود حوزه‌ای ارجاع بخش است. هر مقدار که بتوانیم پرچم ایران را در فضای مد، لباس و پوشش به‌گونه‌ای در قالب ارجاعات روشن و مطابق با سلیقه، و همراه با نوعی زینت اجتماعی قرار دهیم بسیار مهم است و این وظیفه در حوزه کار طراحان است. این کار کمک می‌کند تا افراد حس کنند که پرچم، حاشیه زندگی و کنار زندگی نیست؛ بلکه هر اندازه که نمادهای خودمان را به‌گونه‌ای قرار دهیم که به جای در حاشیه بودن، همراه با زندگی باشند، ماندگاری و تأثیرگذاری آنها بیشتر است. لباس و پوشش، بخش زیادی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهد؛ اگر پرچم به‌گونه‌ای در لباس و پوشش جای پای خود را پیدا کند که با سلیقه و بدون گل‌درشتی کلیشه‌ای باشد، در عمل کمک می‌کند تا این نماد را به عنوان یار و همراه زندگی خود بدانیم.»



بشر



مناسبت برای مرور فیلم‌ها و خاطرات گذشته نیست؛ فرصتی است برای پرسیدن اینکه این سینما در آینده قرار است درباره چه چیزی حرف بزند. تجربه دو جنگ اخیر نشان داده که شکل جنگ تغییر کرده، مرز میان جبهه و شهر کمرنگ‌تر شده و تجربه جنگ پیش از گذشته وارد زندگی روزمره مردم شده است. این تغییر، طبیعتاً باید در روایت سینمایی نیز بازتاب پیدا کند. سینمای دفاع مقدس برای ادامه حیات خود، نه به تکرار نوستالژیک گذشته، بلکه به کشف موقعیت‌های تازه نیاز دارد؛ به فیلم‌هایی که هم از حافظه تاریخی دفاع مقدس حفاظت کنند و هم جسارت نگاه کردن به اکنون را داشته باشند. سینمای دفاع مقدس اگر بتواند این روایت‌های تازه را پیدا کند، ۴۵ سالگی‌اش، نه نشانه پایان یک دوره، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه خواهد بود؛ مرحله‌ای که در آن «دفاع»، دیگر فقط خاطره‌ای از گذشته نیست، بلکه مفهومی زنده و قابل گفت‌وگویی است. امروز ایران است.

سینمای دفاع مقدس

در آستانه یک تولد دوباره

۴۵ سالگی سینمای دفاع مقدس، فقط یک



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

امام علی(ع):
سخن‌روز به یاد آور.

غیرالحکم ودرالکلم



«برد پیت»

درخشش در نبرد سخت بقا

برد پیت، ستاره سرشناس هالیوود، با فیلم تریلر و بقامحور «قلب هیولا» ساخته دیوید آیِر، توجه منتقدان سینمایی را بار دیگر به هنربازیگری‌اش جلب کرد. پیت در این فیلم نقش یک افسر بازنشسته نیروهای ویژه را ایفا می‌کند که پس از سقوط هواپیمای به آلاسکا، همراه با سگ جنگی‌اش برای بقای می‌جنگد. این همکاری دوباره پیت با کارگردان فیلم «خشم»، با تحسین گسترده‌ای از جمله امتیاز ۹۶ در راتن تومیتوز روبه‌رو شده و توانایی‌های بیانی و کاریزمای ماندگار او را به رخ کشیده است. **مهر**



تدارک بازگشت پیکر «سیروس ابراهیم‌زاده» به وطن

پیکر زنده‌یاد سیروس ابراهیم‌زاده، بازیگر، نویسنده و کارگردان پیشکسوت سینما و تئاتر ایران، بنا بر وصیت و خواست قلبی‌اش به کشور بازمی‌گردد. به گفته احترام برونمند، خانواده و همسرا، ناهید کبیری، در حال پیگیری امور اداری برای انتقال پیکر این هنرمند از آمریکا به ایران هستند؛ روندی که با توجه به شرایط، زمانبر خواهد بود. ابراهیم‌زاده، چهره خاطره‌ساز آثاری چون «مومیایی ۲» و «تقاطع»، ۳۰ شهریورماه پس از دوره‌ای درگیری با مشکلات جسمی چشم از جهان فروبست. **ایسنا**



عکس: علی محمدی / ایران

تحلیل فرهنگی روز

رضاصانی

دبیر گروه فرهنگی

به بهانه بازپخش قصه‌های مجید هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی

چرا هنوز با مجید هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم؟



هم‌زمان با آغاز ماه مهر و شروع سال تحصیلی، دو قسمت از مجموعه ماندگار «قصه‌های مجید» با عنوان‌های «ژاکت» و «صبح روز بعد» به کارگردانی کیومرث پوراحمد از شبکه نمایش پخش شد. مجموعه‌ای که برای چند نسل از مخاطبان تلویزیون، تنها یک سریال خاطره‌انگیز نیست، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی و تصویری دوران نوجوانی آنهاست. بازپخش «قصه‌های مجید» در آستانه بازگشایی مدارس، بهانه‌ای است برای بازگشت به مجموعه‌ای که نام کیومرث پوراحمد را برای بسیاری از متولدین دهه‌های پنجاه و شصت با خود گره زده و شاید مهم‌تر از آن، فرصتی برای بازخوانی تجربه زیسته نسلی باشد که روزگاری با مجید هم‌سن و هم‌دل بود.

«قصه‌های مجید» اقتباسی از داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بود، اما پوراحمد صرفاً داستان‌های کتاب را به تصویر نکشید. او جهان داستان را به تجربه‌ای سینمایی و بومی بدل کرد، تجربه‌ای که در آن، نوجوانی مجید می‌توانست بازتابی از نوجوانی بسیاری از هم‌نسلان او باشد. نکته قابل تأمل اینکه در کتاب، داستان در کرمان می‌گذرد، اما پوراحمد آن را به اصفهان برد. این جابه‌جایی جغرافیایی نه تنها به روح قصه لطفه نزد، بلکه نشان داد تجربه نوجوانی در آن سال‌ها، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و لهجه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های محلی، اشتراکات فراوانی داشت.

مجید در جهانی زندگی می‌کند که امکانات و انتخاب‌هایش محدود است. خانه و مدرسه، تقریباً تمام قلمرو زندگی او را تشکیل می‌دهند و در همین محدوده کوچک، مجموعه‌ای از رؤیاها، ناگامی‌ها، شیطنت‌ها، ترس‌ها و میل به استقلال شکل می‌گیرد. شاید نوجوان امروز که در جهانی مملو از ارتباطات، انتخاب‌ها و دسترسی‌های گسترده زندگی می‌کند، به دشواری بتواند همه مختصات زیست مجید را درک کند. اما همین فاصله، ارزش بازمینی این مجموعه را بیشتری می‌کند، چراکه «قصه‌های مجید» فقط درباره آن چیزی نیست که یک نوجوان داشته، بلکه درباره چیزهایی هم هست که نداشت‌ه و با وجود آنها تلاش کرده جهان خودش را بسازد.

از این منظر، مجید را می‌توان نمادی از نوجوانی نسلی دانست که در فضای پسا جنگ و آغاز دوران سازندگی، با تغییرات اجتماعی و فرهنگی تازه‌ای مواجه شد. جامعه‌ای که به تدریج نشانه‌های تضاد میان سنت و مدرنیته در آن آشکار می‌شد، برای نوجوانی که خود در حال عبور از مرحله کودکی به بزرگسالی بود، تجربه‌ای دوگانه می‌ساخت: میل به استقلال از یک سو و ضرورت پذیرش قواعد و محدودیت‌های موجود از سوی دیگر.

رابطه مجید و بی‌بی یکی از مهم‌ترین نمودهای همین وضعیت است. رابطه‌ای که در آن مهر، دلسوزی، کشمکش و اختلاف نسل‌ها هم‌زمان حضور دارند. بی‌بی نماینده جهانی است که قواعد و ارزش‌های خود را دارد و مجید نماینده نسلی که آرام‌آرام می‌خواهد برای خودش هویت مستقلی بسازد. از همین رو، کشمکش میان این دو صرفاً اختلاف یک مادر و زنگ نیست؛ بخشی از گفت‌وگوی دشوار میان سنت و جهان در حال تغییر است.

مرتضی آوینی نیز در یادداشتی با عنوان «دوست دارم ایران» بر هویت ایرانی این مجموعه تأکید کرده بود. او هویت ایرانی «قصه‌های مجید» را بیش از آن که صرفاً ناقدی از داستان‌های مرادی کرمانی بداند، به ساختار سینمایی و روایت پوراحمد مرتبط می‌دانست. این نکته مهم است: پوراحمد از دل داستانی که می‌توانست در جغرافیای دیگری روایت شود، تصویری مشخص از ایران ساخت، ایرانی که در خانه، مدرسه، کوچه و روابط میان آدم‌هاش دیده می‌شد. به همین دلیل می‌توان گفت که بازگشت «قصه‌های مجید» پس از سال‌ها، صرفاً بازگشت یک کتاب به بازار نیست. نسلی که روزگاری با مجید هم‌سن بود، امروز در یک نوستالژی نیست. بسیاری از رؤیاها، ناگامی‌ها، محرومیت‌ها و حتی شادی‌های آن دوران، همچنان در حافظه این نسل باقی مانده‌اند. بازنگری در «قصه‌های مجید» می‌تواند بهانه‌ای باشد برای فهم اینکه بخشی از انسان امروز این نسل چگونه در همان سال‌های نوجوانی شکل گرفته است. «قصه‌های مجید» بنابراین امروز دیگر فقط قصه یک نوجوان اصفهانی نیست. قصه نسلی است که نوجوانی‌اش را پشت سر گذاشته، اما هنوز بخشی از آن کوچه‌ها، کلاس‌ها و خانه و خانه و در رابطه میان مجید و بی‌بی جا گذاشته است. راز ماندگاری «قصه‌های مجید» را باید در همین معنا جست‌وجو کرد. اینکه مجید بزرگ نمی‌شود، اما تماشاگرانش بزرگ می‌شوند و هر بار که او را می‌بینند، بخشی از نوجوانی خود را دوباره پیدا می‌کنند.

به بهانه هفته دفاع مقدس و ۴۵ سالگی سینمای جنگ در ایران

از خاطره جنگ تا معنای امروز دفاع از وطن

یادداشت

مهرداد پارسیانی

منتقد سینما

ژانر دفاع مقدس در سینمای ایران حالا ۴۵ ساله شده است؛ ۴۵ سال از روزهایی که دوربین‌ها از استودیوها و خیابان‌ها راهی جبهه شدند تا قصه‌های جنگ را ثبت و روایت کنند. سینمای جنگ ایران از همان سال‌های اول، بیش از آنکه یک ژانر به معنای متعارف سینمایی باشد، نوعی مواجهه با یک تجربه تاریخی بود: تجربه‌ای که بخش بزرگی از جامعه ایرانی را درگیر خود کرده بود و هنوز هم سایه‌اش بر حافظه جمعی ما سنگینی می‌کند. در سال‌های جنگ تحمیلی، دوربین‌گاه مستقیماً به دل عملیات و خط مقدم می‌رفت و گاه قصه آدم‌هایی را روایت می‌کرد که در فاصله‌ای دور از خاکریز، با پیامدهای جنگ زندگی می‌کردند. بعدها که فاصله با جنگ بیشتر شد، سینمای دفاع مقدس نیز تغییر کرد؛ از فرمانده و رزمنده به مادر و همسر و فرزند رسید، از میدان نبرد به خانه‌های چشم‌انتظار آمد و از بازسازی عملیات‌ها به خاطره، فقدان، بازماندگی و زندگی پس از جنگ پرداخت. حاصل این چهار دهه‌ونیم، مجموعه‌ای متنوع از